

اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) و بررسی تأثیر آن بر خردورزی دانش‌آموزان ابتدایی

تیمور اسمعیل‌زاده*

آزاد الله کرمی**

چکیده

این پژوهش به منظور اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک و بررسی تأثیر آن بر خردورزی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهرستان جوانرود انجام گرفت. روش پژوهش شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با دو گروه آزمایش و شاهد بود. جامعه آماری، شامل تمامی دانش‌آموزان کلاس ششم ابتدایی شهرستان جوانرود در سال ۹۴-۱۳۹۳ می‌باشد. به منظور انتخاب نمونه آماری از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. بدین ترتیب، یکی از مدارس که مجهز به امکانات لازم جهت اجرای آموزش با چندرسانه‌ای بود انتخاب و از میان کلاس‌های پایه ششم، به صورت تصادفی دو کلاس به عنوان گروه‌های آزمایش و شاهد انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی صوری و محتوایی آن توسط متخصصان تأیید و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد. ابتدا از گروه‌های آزمایش و کنترل پیش‌آزمون گرفته شد و پس از پایان دوره آموزشی از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از تحلیل کوواریانس و آزمون تی مستقل استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که اجرای چندرسانه‌ای فلسفه

* کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه (نویسنده مسئول)

T.ismailzade64@gmail.com

** دانشجوی دکتری تکنولوژی آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی

azad.a.karami@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۵

۲ اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) و بررسی تأثیر آن بر خردورزی دانش‌آموزان ابتدایی

برای کودک بر بهبود خردورزی و مؤلفه‌های آن (حل مسئله، تفکر انتقادی و تفکر خلاق) موثر است.

کلیدواژه‌ها: چندرسانه‌ای، فلسفه برای کودک، خردورزی.

۱. مقدمه

امروزه کشورهای سراسر جهان به این نتیجه رسیده‌اند که گستره وسیعی از قابلیت‌ها، مهارت‌های تفکر و مهارت‌های پایه جهت آماده کردن دانش‌آموزان برای آینده‌ای غیرقابل پیش‌بینی موردنیاز است. برای دستیابی به این مهم یادگیرندگان باید آگاهی‌شان را از خود به‌عنوان متفکران و یادگیرندگان گسترش دهند، راهبردهایی را برای تفکر مؤثر تمرین کنند و منش تفکر را که در طول زندگی به آن نیاز دارند، گسترش دهند، زیرا تفکر و اندیشه سرآغاز هرگونه تولید و ساخت و سازی در عالم انسانی است (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۹). علاقه به آموزش مهارت‌های تفکر به اواخر سال‌های ۱۹۶۰ برمی‌گردد، زمانی که پروفیسور لیپمن در دانشگاه کلمبیا در رشته فلسفه مشغول تدریس بود متوجه شد که دانشجویان او فاقد قدرت داوری و تمیز و استدلال هستند، وی پس از مدتی متوجه شد برای اینکه قدرت تفکر این دانشجویان تقویت شود بسیار دیر شده است. تقویت این توانایی‌ها می‌بایست در دوران کودکی این دانشجویان انجام می‌گرفت؛ به عبارت دیگر وقتی این دانشجویان در دوران کودکی و نوجوانی بودند، باید یک سری دوره‌های درسی خاص در زمینه تفکر انتقادی یا حل مسئله یا هر مهارت دیگری که به منطق صوری و غیر صوری مربوط است را شروع می‌کردند؛ بنابراین با تأکید بر پرورش تفکر از دوران کودکی برنامه فلسفه برای کودکان را بنیان نهاد (مرعشی و همکاران، ۱۳۸۷: ۸).

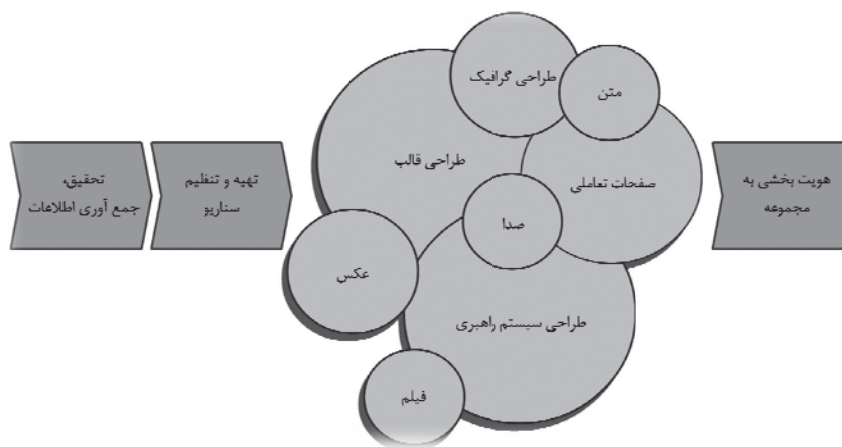
در چند سال اخیر وزارت آموزش و پرورش در ایران با درک اهمیت موضوع تفکر، گام‌هایی را در این رابطه برداشته و تدابیری را اتخاذ کرده است. تدوین سند تحول راهبردی و تدوین کتابی با عنوان تفکر و پژوهش برای دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی از جمله فعالیت‌ها در این زمینه بوده است. در کتاب تفکر و پژوهش مهارت‌هایی در جهت پرورش تفکر و تعقل مورد تأکیدند که عبارت‌اند از: تخیل، حل مسئله، تفکر انتقادی، ابداع و خلاقیت، تفکر سیستمی، پرسشگری، کاوشگری، هدایت مشاهدات، تحلیل قضاوت بر اساس شواهد، تصمیم‌گیری، قضاوت بر اساس نظام معیار، تأمل در خود و خودارزیابی (کتاب راهنمای تفکر و پژوهش، ۱۳۹۱: ۸).

از مهم‌ترین وجوه اندیشه، تفکر انتقادی است. در اهمیت تفکر انتقادی همین بس که شریعت‌مداری تعلیم و تربیت را معادل رشد قوه قضاوت صحیح می‌داند و مایرز (۱۳۸۶) نویسنده کتاب آموزش تفکر انتقادی، معتقد است تا زمانی که شاگردان انگیزه‌ای برای به‌کارگیری تفکر انتقادی نداشته باشند، تعلیم و تربیت کاری عبث است. پائولو فریره (Paulo Freire) نیز آموزش و پرورش را حرکت به‌سوی تحول انتقادی می‌داند (الله کرمی و زارعی زوارکی، ۱۳۹۳). از نظر نلسون (Nelson, 2001: 8) تفکر انتقادی به مجموعه تلاش‌های سازمان‌یافته، هدفمند و جدی برای فهم دنیای پیرامون اطلاق می‌شود که با ارزیابی دقیق ما از تفکرات خود و تفکرات دیگران به‌منظور روشن‌سازی و بهبود فهم ما صورت می‌گیرد. به نظر اوزبورن (Osborne, 2002: 7) تفکر انتقادی، کاربرد مهارت‌های تفکر، تحلیل و ترکیب اطلاعات، شناسایی و حل مسئله و ارزیابی آن می‌باشد و انجام هر یک از این‌ها از طریق مهارت‌های فرا شناختی صورت می‌گیرد. نوع دیگر تفکر، تفکر خلاق است که عبارت است از استعداد و قابلیت انسان در تولید اثرهای ابتکاری، نوآورانه و سودبخش (Sternberg & Lubart, 1999: 85). ساویه (Saville, 2006: 39-49) خلاقیت را حالتی از ذهن می‌داند که طی آن هوش‌های چندگانه انسان به‌طور یکپارچه به کار گرفته می‌شود، از دیدگاه وی خلاقیت یک فرا توانایی است که جنبه شناختی دارد و می‌تواند به‌طور دقیق و مفید تمام قوا را به هدف نوآوری و ابتکار گرد هم آورد. آیزنک (Eysenck, 2000) خلاقیت را فرایند روانی می‌داند که منجر به حل مسئله، ایده‌سازی، مفهوم‌سازی، ساختن اشکال هنری، نظریه‌پردازی و تولیداتی شود که بدیع و تازه باشند. حل مسئله نیز یکی دیگر از ابعاد تفکر است. حل مسئله به‌عنوان یک توانایی فکری، نشانگر فرایندهای شناختی- رفتاری است که به‌واسطه آن فرد می‌خواهد راهبردهای مؤثر و انطباقی برای مشکلات روزمره را تعیین، کشف یا ابداع نماید (D'Zurilla & Sheedy, 1992: 589-59). حل مسئله یا مسئله‌گشایی فرایندی است شناختی که به‌وسیله آن فرد می‌کوشد راه‌حل مناسبی برای یک مشکل پیدا کند (Perla & O' Donnel, 2007).

هدف اصلی تعلیم و تربیت امروزه باید تربیت انسان‌های متفکر و خلاق باشد، امروزه کارشناسان و پژوهشگران اتفاق نظر دارند که خردورزی نه تنها باید یکی از اهداف تعلیم و تربیت باشد، بلکه باید بخش لاینفک آموزش در هر مقطعی باشد. آنچه اکنون ضرورت دارد، ترویج و آموزش خردورزی در جامعه است. در واقع به‌منظور ایجاد تحولات اجتماعی روزافزون، مربیان تعلیم و تربیت باید درباره نقش خود دوباره فکر کنند و فعالیت‌های خود را بر آموزش مهارت‌ها و روش‌هایی متمرکز نمایند که شاگردان برای تحقیق

مستقل بدان احتیاج دارند، یعنی آنان را مجهز به توانایی تفکر و خردورزی نمایند. متأسفانه این مهم در بسیاری از مراکز آموزشی امری فراموش شده است، زیرا روش‌های سنتی تدریس، هنوز استیلای خود را بر اندوخته بیشتر معلمان حفظ کرده اند. یکی از روش‌های نوین برای پرورش خردورزی و مولفه‌های آن بهره‌گیری از فناوری‌های نوین چون چندرسانه‌ای هاست، و پژوهش پیش رو نیز به منظور اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک و بررسی تأثیر آن بر خردورزی دانش‌آموزان ابتدایی انجام شده است، چرا که به زعم نویسندگان آموزش با کمک رایانه و با امکانات چندرسانه‌ای که چندین حس را همزمان در فرآیند یادگیری به کار می‌گیرد زمینه بهبود خردورزی را فراهم می‌آورد. استفاده از این روش می‌تواند برای افراد متفاوت با ویژگی‌های مختلف، محیط مطلوب یادگیری را ایجاد کند. محیط چندرسانه‌ای اگر به‌خوبی طراحی شده باشد، می‌تواند از طریق رمزگذاری دوگانه، فرآیند بازخوانی را تسهیل و تقویت کند؛ یعنی در فراخوانی دانش به موقع عمل نموده و در سرعت عمل و ارائه راه‌حل مناسب با استفاده از دانش موجود کمک کند.

در تولید یک چندرسانه‌ای، در کامل‌ترین شکل آن امروزه متخصصین علوم رایانه، مهندسين نرم‌افزار، هنرمندان طراح گرافیک، هنرمندان پویانما، متخصصین صدابرداری، ضبط و تدوین صدا، متخصصین فیلم‌برداری، ضبط و تدوین تصویر، هنرمندان عکاس، هنرمندان موسیقی و آهنگسازان و گویندگان مجرب همکاری می‌نمایند. فرآیند تولید چندرسانه‌ای و تخصص‌های دخیل در این روند را می‌توان در شکل زیر مشاهده کرد.



شکل ۱. فرآیند تولید چند رسانه‌ای

در این فرآیند پس از جمع‌آوری اطلاعات و تهیه و تنظیم سناریو تولید چندرسانه‌ای با استفاده از عناصر و تخصص‌های موردنیاز و ضروری صورت می‌گیرد تا در نهایت مجموعه‌ای با هویت مشخص تولید گردد (باقی، ۱۳۹۰).

۲. چارچوب نظری پژوهش

متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که هدف آموزش باید استفاده از تمام ویژگی‌های مغز باشد. در محیط آموزشی دانش آموزان باید یاد بگیرند چگونه از این توانایی‌ها استفاده کنند و این توانایی‌ها را برای تفکر و حل مسئله با بکارگیری کل مغز در هم آمیزند (ندافی، ۱۳۸۷). بنابراین هدف عمده آموزش باید وادار کردن یادگیرندگان به تفکر باشد. بیشتر متخصصان معتقدند که با از میان برداشتن موانع از محیط‌های آموزشی که شاگردان را از فکر کردن باز می‌دارد، باید آنان را کمک و وادار کرد تا برای یادگیری توأم با تفکر وقت بیشتری صرف کنند، در واقع یکی از اهداف اصلی تعلیم و تربیت، پرورش شیوه تفکر در افراد است (ابیلی؛ پیشگفتار کتاب آموزش تفکر انتقادی، ۱۳۸۶)، در گذشته به ندرت فکر می‌شد که ممکن است بتوان افراد را خردورز بار آورد. اعتقاد همگانی درباره ماهیت تفکر این بود که این مشخصات کیفی ذاتی و موروثی هستند که به هیچ وجه امکان کنترل و دخل و تصرف در آنها وجود ندارد؛ اما نتایج تحقیقات نشان داد که خردورزی، تفکر، حل مساله و خلاقیت پدیده‌های متافیزیکی نیستند، بلکه واقعیت‌ها و پدیده‌های طبیعی هستند که در صورت وجود شرایط لازم بهبود پیدا خواهند کرد.

از جمله روش‌های که در سال‌های اخیر برای رشد تفکر و خردورزی مورد توجه قرار گرفته است، آموزش فلسفه برای کودکان است. در این روش کودک فضای آموزشی را جایی برای تحقیق درباره سولات ذهنی خود و آزمون اندیشه و باورهایش می‌بیند. آموزش فلسفه برای کودک باعث می‌شود فضای مقتدرانه کلاس به حلقه‌های کندوکاو فکری فلسفی برای ترویج دموکراسی و استقلال فکری در دانش آموزان تبدیل شود (هدایتی و شاطالی، ۱۳۹۲). بررسی رویکردهای مربوط به فلسفه برای کودکان نشان می‌دهد که در فلسفه برای کودکان چهار رویکرد مختلف وجود دارد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱). رویکرد فرآیندی یا روشی که در آن به فلسفه به عنوان نوعی فعالیت نگریسته می‌شود، فعالیتی که منجر به شناسایی و فهم امور می‌شود. این رویکرد بر فعالیت فلسفی و طرح محتوای داستانی تأمل برانگیز، به منظور تسهیل فرایند فلسفیدن تأکید دارد. لیپمن بر روش فلسفیدن

تأکید داشت، روشی که در آن پرسش‌های فزاینده به نحوی مطرح می‌شود که پاسخ به هر سؤال فقط به سؤالات بیشتر منجر شود. رویکرد محتوایی بر فلسفه و محتوای فلسفه در قالب داستان تأکید دارد، چراکه با توجه به اهمیت محتوای فلسفی باید گفت، این محتوا نه تنها برای کودکان که برای برخی بزرگسالان نیز قابل فهم نیست. ساده‌سازی و قابل فهم کردن این محتوا، به منظور استفاده کودکان از این متون را می‌توان در آثار واربرتون، دورانت، مگی و وایت مشاهده کرد. در رویکرد مبتنی بر پیوند فلسفه و ادبیات بر متون داستانی ادبیات کهن به عنوان محتوای فلسفی تأکید می‌شود. و نهایتاً در رویکرد مبتنی بر زمینه فرهنگی متون بر فرهنگ وابستگی محتوای داستان فلسفی و طرح، انتخاب و بازنویسی داستان‌هایی از فرهنگ بومی تأکید دارد. بر این اساس اندیشه یک محصول فرهنگی است، همان‌طور که عقل، منطق و زبان را یک محصول فرهنگی می‌دانیم، فلسفه در فلسفه برای کودکان چه به مثابه روش دیده شود و چه به مثابه محتوا، فرهنگ بنیان است. این خصیصه فرهنگ که منجر به شکل‌گیری نوع خاصی از اندیشه می‌شود را می‌توان از جنبه‌های خاص فرهنگی دانست. آنچه واضح است در هر چهار رویکرد فوق برای جذاب کردن ابزارهای محرک و برانگیزاننده تفکر از داستان استفاده می‌شود؛ زیرا مبدعان برنامه براین باورند که بهترین روش برای آموزش تفکر به کودکان استفاده از داستان است. حال اگر این داستان‌ها با روش‌های نوین و جذاب چون چندرسانه‌ای ارائه شود نتیجه بهتری در پی خواهد داشت. چرا که با استفاده از چند رسانه‌ای‌ها یادگیرندگان صرفاً شنونده داستان نبوده و کانال‌های ارتباطی بیشتری درگیر می‌شود. چندرسانه‌ای‌ها چندبعدی و چندحسی هستند و توانایی زیادی برای درگیر ساختن یادگیرندگان دارند.

۳. اهمیت و ضرورت

متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که با از میان برداشتن موانع از محیط‌های آموزشی که شاگردان را از فکر کردن بازمی‌دارد، می‌توان به آنان کمک کرد تا برای یادگیری توأم با تفکر وقت بیشتری صرف کنند. تحقیقات گوناگون نشان می‌دهند، با آموزش‌های مناسب می‌توان زمینه رشد و شکوفایی این ویژگی‌های منحصر به فرد آدمی را ارتقا بخشید (الله کرمی، ۱۳۹۲). ناتوانی نظام آموزشی سنتی در تربیت انسان‌های متفکر، مبدع و مخترع که قابلیت مواجهه با مسائل و مشکلات دنیای مدرن را داشته باشند، باعث شد تا علاقه به برنامه‌های درسی که بتواند دانش‌آموزانی متفکر، نقاد و خلاق پرورش دهد، افزایش یابد به شکلی که

در رویکردهای تربیتی جدید این گونه برنامه‌ها جایگاه والایی پیدا نموده‌اند تا آنجا که در اواخر قرن بیستم نهضت‌های تربیتی متعدد و متنوعی از جمله آموزش تفکر خلاق، آموزش تفکر انتقادی، آموزش شتاب‌شناختی (Cognitive acceleration)، برنامه درسی فکورانه (Thought-full curriculum)، آموزش مهارت حل مسئله و همچنین برنامه فلسفه برای کودکان رواج یافتند (Hogen, 2006: 152-154).

علی‌رغم تأکید بر آموزش تفکر در متون بالادستی آموزش و پرورش ایران، هنوز دانش آموزان به گونه‌ای تربیت می‌شوند که بدون توجه به چگونگی ارتباط مطالب و بدون تفکر، برای به دست آوردن نمره خوب، مطالب را می‌آموزند. این نوع آموزش و یادگیری برای انجام یک کار متفکرانه، بی‌فایده است. شیوه‌های سنتی با ساختار انعطاف‌ناپذیر و محدودیت زیادی که برای دانش آموزان قائل می‌شود و با تکیه بر انتقال معلومات و محفوظات، امکان هرگونه رشد فکری، ابتکار و اکتشاف را از یادگیرنده سلب می‌کند (الله کرمی، ۱۳۹۲). فناوری‌های جدید به ویژه رسانه‌های غیر نوشتاری، مانند مواد و تجهیزات دیداری شنیداری، شیوه‌های سنتی آموزش و یادگیری را متحول ساخته‌اند. در چند دهه گذشته و با همه‌گیر شدن رایانه و فناوری‌های اطلاعاتی جدید، چندرسانه‌ای‌ها جای خود را به عنوان یکی از فناوری‌های پرکاربرد در انواع آموزش‌ها باز کرده‌اند (صالحی زاده و اسدی، ۱۳۹۲). مفهوم چندرسانه‌ای به استفاده از چندین رسانه شامل متن، گرافیکی، صدا، تصاویر ثابت و ویدئویی برمی‌گردد (Beatty, 2005).

به نظر می‌رسد مهم‌ترین مزیت برنامه‌های چندرسانه‌ای ایجاد و حفظ انگیزه‌ی یادگیری در یادگیرندگان است. نتایج حاصل از پژوهش‌هایی که در زمینه چندرسانه‌ای‌های آموزشی صورت گرفته است، نشان می‌دهد دانش‌آموزان از طریق محیط چندرسانه‌ای به آسانی یاد می‌گیرند؛ حتی اگر قبلاً سواد چندرسانه‌ای اندکی داشته باشند (کریمی، ۱۳۹۳: ۹). چندرسانه‌ای‌ها چندبعدی و چندحسی هستند، توانایی زیادی برای درگیر ساختن استفاده‌کنندگان دارند و تجارب یادگیری چندحسی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند (ذوفن، ۱۳۹۲: ۲۱۵). استفاده از چندرسانه‌ای‌ها در کلاس درس مزایایی دارد، از جمله (عابدی، ۱۳۹۱: ۲۱):

- ✓ یادآوری؛ فراگیرنده آنچه را که در درس گذشته آموخته است، به یاد می‌آورد.
- ✓ جلب توجه فراگیرنده؛ نشان دادن تصویر بر روی صفحه‌ی نمایش و نوشتن پرسش روی تخته الکترونیکی سبب جلب توجه‌ی فراگیرنده می‌شود.

۸ اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) و بررسی تأثیر آن بر خردورزی دانش‌آموزان ابتدایی

- ✓ ارائه محتوای تازه؛ مانند متن، فیلم و ویدیو.
- ✓ پشتیبانی از فرآیند یادگیری در کلاس درس از طریق نشان دادن نمونه‌های مجازی.
- ✓ درگیر ساختن فراگیرنده؛ ارائه اطلاعات به فراگیرنده و طرح پرسش به وسیله رسانه، دانش‌آموزان را در فرآیند یادگیری درگیر می‌کند.
- ✓ افزایش زمان نگهداری اطلاعات و انتقال آن‌ها.
- ✓ ارزیابی عملکرد.

شواهد علمی و تجربی نشان می‌دهد بهره‌گیری از چند رسانه‌های ها در کلاس‌های درس فرآیند یادگیری را تسهیل و موجبات رشد تفکر سطح بالا را فراهم می‌آورد، از طرفی ضرورت آشنایی دانش‌آموزان دوره ابتدایی با فلسفه بر کسی پوشیده نیست، بنابراین غنی کردن آموزش موضوعات فلسفی با رسانه‌های نوین جهت رشد و ارتقای سطح علمی و افزایش انگیزه دانش‌آموزان بیش‌ازپیش ضروری به نظر می‌رسد.

۴. پیشینه پژوهش

هر چند مطالعات متعدد تأثیر فلسفه برای کودک و فناوری‌های نوین چون چند رسانه ای ها بر تفکر و خردورزی را مثبت ارزیابی می‌کنند، ولی مطالعه ای که از بستر چندرسانه ای جهت آموزش فلسفه برای کودکان استفاده کرده باشد یافت نشد، در ادامه به نتایج برخی از تحقیقات در این زمینه ها اشاره خواهد شد.

آق ارکاکلی (۱۳۸۸) پژوهشی با عنوان تأثیر کاربرد آموزشی فن آوری اطلاعات و ارتباطات بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان دختر سال اول متوسطه منطقه ۴ تهران انجام داد. وی به این نتیجه رسید که، فن آوری اطلاعات و ارتباطات بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان دختر سال اول متوسطه در کل، و در خرده مقیاس های تحلیل، ارزش یابی و استنباط، تأثیر مثبت و معنی دار داشته است.

بدری گرگری و واحدی (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد هوش اخلاقی دانش‌آموزان دختر پرداختند، نتایج تحقیق آنان نشان داد برنامه آموزش فلسفه برای کودکان موجب افزایش هوش اخلاقی دانش‌آموزان گردید.

مرعشی و همکاران (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز با روش آزمایشی انجام دادند که نتایج نشانگر آن است که اجرای

برنامه آموزش فلسفه به کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان تأثیر مثبتی داشته است.

حاتمی، کریمی و نوری (۱۳۸۹) به بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در افزایش هوش هیجانی دانش آموزان دختر مقطع اول راهنمایی مدرسه شهدای آزادی تهران پرداخته‌اند. در این پژوهش نیز بعد هیجانی و عاطفی رشد اخلاقی مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان برافزایش هوش هیجانی دانش آموزان تأثیر معناداری داشته است.

ناجی و قاضی نژاد (۱۳۸۶) در پژوهشی که باهدف بررسی تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر مهارت‌های استدلال و عملکرد رفتاری آنان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که انجام این برنامه سبب ارتقاء و تقویت بسیاری از مهارت‌های پیش‌بینی‌شده فکری در کودکان می‌شود؛ مهارت‌های تقویت‌شده شامل استدلال، تشخیص دادن امور مشابه، داوری و قضاوت درست، تفکر انتقادی، خلاق و مسئولانه بود. همچنین اعتمادبه‌نفس و قدرت حل مسئله کودکان به چشم گیر افزایش یافته بود.

جهانی (۱۳۸۶) به بررسی تأثیرات برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان در رشد منش‌های اخلاقی دانش آموزان پرداخت، نتایج پژوهش وی نشان داد که برنامه آموزش فلسفه به کودکان از توانایی لازم برای رشد مهارت‌های استدلالی بین کودکان ایرانی برخوردار است، همچنین این برنامه می‌تواند از طریق مهارت‌های پژوهشی، به تقویت منش‌های اخلاقی دانش آموزان کمک کند.

سانجانا و ویتبرید (Sanjana & Whitebread, 2005) به بررسی تأثیر برنامه‌ی درسی فلسفه برای کودکان در رشد مهارت‌های استدلال اخلاقی و اجتماعی در دانش آموزان پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر عملکرد بهتر دانش آموزان در مهارت‌های اجتماعی، شناختی و اخلاقی است و دانش آموزان شرکت‌کننده در این برنامه توانایی کاربرد آموخته‌هایشان و مهارت‌های فوق را در زندگی روزانه دارند.

ویلر، ویت و برمفیلد (Wheeler, Waite & Bromfield, 2002) در تحقیقی با عنوان "ارتقای تفکر خلاق با ICT" به بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات بر ارتقای خلاقیت پرداختند. نتایج آنان نشان داد، کامپیوترها در کلاس درس به معلمان کمک می‌کنند تا آنان تکالیف باز - پاسخ بیشتری برای دانش آموزان تعیین کنند و همین مسئله باعث می‌شود تا فراگیران با هر سبک یادگیری و هر سطحی از پیشرفت تحصیلی از

۱۰ اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) و بررسی تأثیر آن بر خردورزی دانش‌آموزان ابتدایی

دادن جواب نامید و مایوس نشوند، در واقع تکالیف متنوعی در کلاس‌های که با ICT اداره می‌شود به دانش‌آموزان داده می‌شود و آنان نیز در زمان‌های که خود تعیین می‌کنند به بررسی مسائل می‌پردازند، بنابراین به نظر نگارندگان پژوهش موارد فوق بهبود خلاقیت افراد را موجب می‌شود.

هاپسن (Hopson, 1998) رابطه میان محیط کلاس‌های غنی شده با فناوری و رشد مهارت‌های تفکر سطح بالا و نگرش دانش‌آموزان نسبت به کامپیوتر را بررسی کرده است و نشان داد؛ محیط‌های یادگیری غنی شده با فناوری رشد مهارت‌های تفکر سطح بالا را افزایش می‌دهد و ابزارهای فناوری به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا بجای فراگیری صرف دانش به سوی کاربرد دانش حرکت کنند.

از آنجا که محیط یادگیری به عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل در رشد و پرورش خردورزی شناخته می‌شود و با توجه به این‌که در زمینه اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک، و بررسی تأثیر آن در بهبود خردورزی دانش‌آموزان در داخل کشور تحقیقی انجام نگرفته است، نتایج این پژوهش می‌تواند مبانی علمی برای آگاهی و استفاده از این روش در محیط آموزشی و مخصوصاً مدارس ابتدایی باشد. فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۵. فرضیه‌های پژوهش

۱.۵ فرضیه اصلی

اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C)، در بهبود خردورزی دانش‌آموزان پایه ششم دبستان موثر است.

۲.۵ فرضیه‌های فرعی

– اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C)، در بهبود حل مسئله دانش‌آموزان پایه ششم دبستان موثر است.

– اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C)، در بهبود تفکر انتقادی دانش‌آموزان پایه ششم دبستان موثر است.

– اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C)، در بهبود تفکر خلاق دانش آموزان پایه ششم دبستان موثر است.

۶. روش تحقیق

روش پژوهش، شبه آزمایشی با استفاده از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری، شامل دانش آموزان کلاس ششم ابتدایی شهرستان جوانرود که در سال ۹۴-۱۳۹۳ می‌باشد. نیاز به امکانات و زیرساخت‌های فنی مناسب در مدرسه، باعث شد از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شود، بدین ترتیب از میان مدارس شهرستان جوانرود، دبستان دخترانه حضرت فاطمه (ص) که مجهز به کارگاه کامپیوتر و پروژکتورهای کلاسی بود انتخاب و از بین کلاس‌های پایه ششم با گمارش تصادفی یکی از کلاس‌ها به‌عنوان گروه آزمایش و کلاس دیگری به‌عنوان گروه شاهد انتخاب شدند. هرکدام از گروه آزمایش و شاهد ۳۰ نفر بودند. قبل از شروع دوره آموزشی، از هر دو گروه پیش‌آزمون محقق ساخته گرفته شد. در طول پژوهش، در درس تفکر و پژوهش گروه آزمایش با روش چندرسانه‌ای و گروه شاهد با روش متداول اداره شدند، پس از پایان نیمسال نیز از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد.

۱.۶ ابزار جمع‌آوری اطلاعات و روایی و پایایی آن

برای بررسی فرضیه‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد؛ این پرسشنامه مشتمل بر ۲۱ سؤال و در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای تنظیم شده است. روایی صوری و محتوایی توسط متخصصان موضوع تأیید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۲ محاسبه شد، همچنین پایایی به‌دست‌آمده برای هر یک از مؤلفه‌های حل مسئله ۰/۸۰، تفکر انتقادی ۰/۷۲ و تفکر خلاق ۰/۷۷ محاسبه گردید. در پژوهش پیش روی تعریف عملیاتی خردورزی نمره کل دانش‌آموز از این پرسشنامه می‌باشد، همچنین حل مسئله نمره‌ای است که دانش‌آموزان از سؤالات ۷-۱ به دست می‌آورند. سؤالات ۱۴-۸ نمره تفکر انتقادی و سؤالات ۲۱-۱۵ نمره تفکر خلاق دانش‌آموزان را دربرمی‌گیرد.

۲.۶ روش اجرا

با تعیین گروه‌های آزمایش و شاهد، از میان سرفصل‌های درس تفکر و پژوهش دو درس الزامی، سه درس انتخابی و سه درس اختیاری انتخاب و با روش سنتی به دانش‌آموزان گروه شاهد تدریس شد، ولی گروه آزمایش با کمک چندرسانه‌ای محقق ساخته آموزش می‌دیدند، در ساخت این چندرسانه‌ای از نظر متخصصان طراحی آموزشی، مهندسان کامپیوتر و کارشناسان فلسفه استفاده شد. طراحی و ساخت نرم‌افزار چندرسانه‌ای، با کمک نرم‌افزار کپتیویت (Captive) انجام گرفت. چندرسانه‌ای در قالب ۷ جلسه بر اساس موضوعات درسی کتاب "تفکر و پژوهش" و داستان‌های جلد دوم کتاب "فلسفه برای کودکان" اثر فیلیپ کم طراحی و تولید شده است. بعد از اطمینان از اینکه دانش‌آموزان با کامپیوتر و نحوه کار با برنامه چندرسانه‌ای آشنا شده‌اند، این برنامه روی کامپیوترهای کارگاه کامپیوتر نصب و آموزش مطابق آن پیش می‌رفت. نرم‌افزار جنبه تعاملی داشته و علاوه بر متون کتاب درسی و داستان‌های فلسفی شامل صدا و تصاویر متحرک نیز می‌شد. لازم به ذکر است از میان رویکردهای مختلف آموزش فلسفه به کودکان، پژوهش پیش روی بر مبنای رویکرد مبتنی بر پیوند فلسفه و ادبیات طراحی و اجرا شد.

جلسه اول: قبل از شروع جلسه از هر دو گروه پیش‌آزمون خردورزی به عمل آمد. این جلسه در کارگاه کامپیوتر برگزار شد تا دانش‌آموزان با نحوه کار با درس‌افزار و شیوه مدیریت کلاس آشنا شوند؛ هم‌چنین معلم نحوه اداره کلاس با استفاده از روش‌های معمول و سنتی را برای گروه شاهد شرح داد. در ادامه دوره آموزشی گروه شاهد با روش سنتی و گروه آزمایش با کمک چندرسانه‌ای و مطابق با شرح زیر آموزش دیدند.

جلسه دوم و سوم: چندرسانه‌ای در قالب درس انتخابی «هر کاری» که هدف کلی آن آموزش حل مسئله است به دانش‌آموزان ارائه شد. در این جلسه علاوه بر موضوع درسی، داستان "مال هرکس، مال هیچ‌کس و خانم سیدی" نیز ارائه شد.

جلسه چهارم و پنجم: چندرسانه‌ای در قالب دروس انتخابی و الزامی «چرخ ریسک و لی‌لی حوضک» که هدف کلی آن‌ها آموزش تفکر انتقادی است به دانش‌آموزان ارائه شد. هم‌چنین در این جلسات داستان "مردی که نمی‌توانست صورتش را کنترل کند" و "مغازه‌ی چندمنظوره" ارائه شد.

جلسه ششم؛ چندرسانه‌ای در قالب دروس الزامی و انتخابی «درخت بخشنده» که هدف کلی آن آموزش تخیل است به دانش آموزان ارائه شد. در این جلسات از داستان‌های "ستاره‌ی دریایی" و "قصه‌گو" به صورت مکمل استفاده شد.

جلسه هفتم؛ چندرسانه‌ای در قالب درس اختیاری «خلاق باش» که هدف کلی آن‌ها آموزش خلاقیت است به دانش آموزان ارائه شد. همچنین داستان "درست مثل جادوگری" نیز ارائه گردید.

جلسه هشتم؛ چندرسانه‌ای در قالب درس اختیاری «جرئت داشته باش» که هدف کلی آن آموزش جرئت و رزی است به دانش آموزان ارائه شد. در این جلسه به منظور نیل به هدف آموزشی از داستان "روی ایوان" نیز بهره گرفته شد. در انتهای این جلسه از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد.

۷. یافته‌های پژوهش

فرضیه اصلی: اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C)، در بهبود خردورزی دانش آموزان پایه ششم دبستان موثر است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار خردورزی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک گروه

گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	۱۷/۳۳	۲/۵۵	۲۱ / ۴۶	۱/۹۲
شاهد	۱۷/۵۳	۲/۸۳	۱۸/۸۲	۳/۲۸

بر اساس مندرجات جدول ۱ میانگین خردورزی در گروه آزمایش و شاهد افزایش یافته است، اما این افزایش در گروه آزمایش بیشتر است.

جدول ۲: نتایج آزمون t مستقل برای خردورزی

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین	df	t	p
آزمایش	۴/۱۳	۲/۳۷	۲/۷۳	۵۸	۵/۳۰	/۰۰۱
شاهد	۱/۴۰	۱/۵۲				

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، سطح معناداری مشاهده شده برای تفاوت میانگین خردورزی کوچک تر از ۰/۰۱ است ($t=5/308$ ، $P=0/001$)؛ بنابراین با ۹۵ درصد

۱۴ اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) و بررسی تأثیر آن بر خردورزی دانش‌آموزان ابتدایی

اطمینان فرض صفر رد و نتیجه گرفته می‌شود گروه آزمایش و شاهد تفاوت معناداری در خردورزی دارند. لذا، استفاده از آموزش چندرسانه‌ای در افزایش خردورزی دانش‌آموزان کلاس ششم مؤثر بوده و بدین ترتیب فرضیه پژوهشی تأیید می‌گردد.

فرضیه فرعی اول: اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C)، در بهبود حل مساله دانش‌آموزان پایه ششم دبستان موثر است.

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس برای حل مسئله

منبع	SS	df	MS	F	p	η^2
پیش‌آزمون	۱/۹۷	۱	۱/۹۷	۲/۴۸	/۱۲	/۰۴
گروه	۳/۸۴	۱	۳/۸۴	۴/۸۴	/۰۳	/۰۷
خطا	۴۵/۲۵	۵۷	/۷۹			
کل	۹۲۵/۰۰	۶۰				

بر اساس جدول ۳ سطح معناداری مشاهده شده برای تفاوت میانگین مهارت حل مسئله پس از کنترل اثر پیش‌آزمون کوچک‌تر از ۰/۰۵ است ($F=۴/۸۴۸$, $P=۰/۰۳۲$)؛ بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان فرض صفر رد و نتیجه گرفته می‌شود گروه آزمایش و شاهد تفاوت معناداری در مهارت حل مسئله دارند. مقدار مجذور ای‌تا ($\eta^2=۰/۰۷۸$) نشان می‌دهد که ۷/۸ درصد از واریانس حل مسئله توسط آموزش با کمک چندرسانه‌ای تبیین می‌شود. لذا، استفاده از آموزش چندرسانه‌ای در افزایش حل مسئله دانش‌آموزان کلاس ششم مؤثر بوده و بدین ترتیب فرضیه پژوهشی تأیید می‌گردد.

فرضیه فرعی دوم: اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C)، در بهبود تفکر انتقادی دانش‌آموزان پایه ششم دبستان موثر است.

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس برای تفکر انتقادی

منبع	SS	df	MS	F	p	η^2
پیش‌آزمون	۲/۹۱	۱	۲/۹۱	۲/۱۳	/۱۵	/۰۳
گروه	۶/۹۶	۱	۶/۹۶	۵/۰۹	/۰۲	/۰۸
خطا	۷۷/۹۲	۵۷	۱/۳۶			
کل	۸۴۳/۰۰	۶۰				

همان گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، سطح معناداری مشاهده شده برای تفاوت میانگین مهارت تفکر انتقادی پس از کنترل اثر پیش‌آزمون کوچک‌تر از ۰/۰۵ است ($P=0/028$, $F=5/096$)؛ بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان فرض صفر رد و نتیجه گرفته می‌شود گروه آزمایش و شاهد تفاوت معناداری در مهارت تفکر انتقادی دارند. مقدار مجذور ای‌تا ($\eta^2=0/082$) نشان می‌دهد که ۸/۲ درصد از واریانس تفکر انتقادی توسط آموزش با کمک چندرسانه‌ای تبیین می‌شود. لذا، استفاده از آموزش چندرسانه‌ای در افزایش تفکر انتقادی دانش‌آموزان کلاس ششم مؤثر بوده و بدین ترتیب فرضیه پژوهشی تأیید می‌گردد.

فرضیه فرعی سوم: اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C)، در بهبود تفکر خلاق دانش‌آموزان پایه ششم دبستان موثر است.

جدول ۵: نتایج تحلیل کوواریانس برای تفکر خلاق

منبع	SS	df	MS	F	p	η^2
پیش‌آزمون	۹/۸۳	۱	۹/۸۳	۷/۶۲	۰/۰۸	۰/۱۱
گروه	۶/۲۷	۱	۶/۲۷	۴/۸۶	۰/۰۳	۰/۰۷
خطا	۷۳/۵۳	۵۷	۱/۲۹			
کل	۱۹۸۱/۰۰	۶۰				

همان گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، سطح معناداری مشاهده شده برای تفاوت میانگین مهارت تفکر خلاق پس از کنترل اثر پیش‌آزمون کوچک‌تر از ۰/۰۵ است ($P=0/031$, $F=4/865$)؛ بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان فرض صفر رد و نتیجه گرفته می‌شود گروه آزمایش و شاهد تفاوت معناداری در مهارت تفکر خلاق دارند. مقدار مجذور ای‌تا ($\eta^2=0/079$) نشان می‌دهد که ۷/۹ درصد از واریانس خلاقیت توسط آموزش با کمک چندرسانه‌ای تبیین می‌شود. لذا، استفاده از آموزش چندرسانه‌ای در افزایش خلاقیت دانش‌آموزان کلاس ششم مؤثر بوده و بدین ترتیب فرضیه پژوهشی تأیید می‌گردد.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

امروزه روش‌های سنتی یادگیری جوابگوی نیازهای فراگیران نیست، در نتیجه فراگیران لذت علم را نمی‌فهمند و مدرسه برایشان خسته‌کننده و ناخوشایند است. یکی از راه‌های حل برخورد با چنین مشکلاتی، آموزش با کمک رسانه‌های نوین آموزشی مثل

چندرسانه‌ای‌هاست؛ در تحقیقات علمی در داخل و خارج از ایران در چند سال اخیر توجه فراوانی به استفاده از تکنولوژی در بهبود آموزش و یادگیری به‌عنوان یک ابزار کمک آموزشی شده است و نتایج بسیاری از این پژوهش‌ها مؤید تأثیر مثبت و فزاینده‌ی ابزارهای چندرسانه‌ای در بهبود یادگیری می‌باشد.

یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه اصلی، نشان داد؛ اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C)، در بهبود خردورزی دانش‌آموزان پایه ششم دبستان موثر است. این یافته‌ها با تحقیقات ضامنی و همکاران (۱۳۹۰)، فائق (۱۳۹۲)، مانیندی و گوین داسامی (Munindy & Govindasamy, 2010) هم سو و هماهنگ است. در تبیین این یافته باید گفت شرکت در جلسات کندوکاو فلسفی موجب شده است تا تفکر مراقبتی دانش‌آموزان بر اثر رشد انواع مهارت‌های استدلال، مهارت پژوهش و مهارت‌های ترجمه‌ای توسعه یابد. به این معنا که وقتی دانش‌آموزان در حلقه کندوکاو کلاسی درباره موضوعاتی آزادی، دوستی، وفاداری، از طریق استدلال گروهی و کاوشگری انتقادی به بحث می‌پردازند این جلسات موجب رشد استدلال‌های اخلاقی آن‌ها می‌شود. از طرف دیگر رشد مهارت‌های پژوهشی دانش‌آموزان یعنی ایجاد فرضیه‌های مختلف و در نظر گرفتن راه‌کارها خود نیز ابزاری برای کسب تفکری مسئولانه محسوب می‌شود (بدری گرگری و واحدی، ۱۳۹۴) که مجموع عوامل فوق موجبات رشد خردورزی دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد. فراهم کردن محیط پرمحتوای شناختی در زمان کودکی می‌تواند زمینه‌ساز قابلیت انعطاف هیجانی در شخص و بنابراین دیدن چیزها با نگاهی تازه شود (حاتمی و همکاران، ۱۳۸۹). از طرفی در این دوره آموزشی برخلاف روش تدریس سنتی، به علت بهره‌گیری از قابلیت‌های گوناگون صدا، تصویر، گرافیک و پویانمایی هم‌زمان چند حس درگیر و این امکان را برای دانش‌آموزان ایجاد شد تا بتوانند مطالب را جذاب‌تر، متنوع‌تر و کامل‌تر دریافت کنند و انگیزه بیشتری برای درک مطالب و تأمل در آن‌ها ایجاد شد. همچنین می‌توان به یافته‌های تجربی در حوزه‌ی روان‌شناسی اشاره کرد که حدود ۷۵ درصد یادگیری انسان از طریق کاربرد حس بینایی، ۱۳ درصد از طریق حس شنوایی صورت می‌پذیرد. لذا می‌توان استفاده از رایانه و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای را یکی از بهترین روش‌ها برای تدریس و یادگیری دانش‌آموزان دانست.

نتایج حاصل از بررسی فرضیه فرعی اول نشان داد اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C)، در بهبود حل مساله دانش‌آموزان پایه ششم دبستان موثر است. این یافته‌ها با تحقیقات احمدی و همکاران (۱۳۹۰)، باوی (۱۳۹۱)، سرین و همکاران

(Serin et al., 2009)، ترنر و همکاران (Turner et al., 2008) هم سو و هماهنگ است. در تبیین این یافته می‌توان گفت؛ در آموزش به کمک چندرسانه ای فلسفه تمرکز بر جستجو و پرسشگری است و مباحث بر پایه‌ی پرسش‌های دانش آموزان در واکنش به محرک‌های ارائه‌شده همچون شعر، تصویر و یا داستان ارائه می‌شود و معلم بیش از آنکه آمرانه مطالب را ارائه دهد، نقش تسهیل‌کننده را ایفا می‌کند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین چندرسانه‌ای‌ها نیز قادرند، محیط یادگیری را دگرگون و آن را جذاب و سبب جذب دانش آموزان و فراگیران به فرآیند یادگیری شوند، محرک‌های تقویت‌کننده‌ای به روند آموزش و یادگیری تزریق کنند و به تثبیت آموخته‌ها و پایداری مواد درسی کمک و منجر به بهبود کیفیت آموزش شوند. هم‌چنین باعث افزایش انگیزه فراگیران و در نتیجه تلاش و کوشش آنان برای یادگیری بیشتر می‌شوند.

نتایج حاصل از بررسی فرضیه فرعی دوم نشان داد اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C)، در بهبود تفکر انتقادی دانش آموزان پایه ششم دبستان موثر است. این یافته‌ها با تحقیقات حاج رضایی و همکاران (۱۳۹۴)، الله کرمی و زارعی زوارکی (۱۳۹۳) و استایسی و جریبک (Stacey & Gerbic, 2009) هم سو و هماهنگ است. در تبیین این یافته می‌توان گفت در این دوره آموزشی کتاب درسی یگانه محتوای آموزشی محسوب نگردید و معلم نیز به‌جای انتقال دادن اطلاعات به دانش آموزان در نقش یک کمک‌کننده در ساختن دانش آن‌ها ظاهر گردید. دانش آموزان در این روش دریافتند دانش در بین افراد امری نسبی است و معلم یگانه منبع اطلاعاتی نیست، در این فضا بیشتر از محیط‌های قدیمی که معلم متکلم وحده و دانای مطلق فرض می‌شود بحث و جدل روی می‌دهد، از طرفی بیشتر اوقات دانش آموزان با اطلاعات وسیع، پراکنده و گاهی متناقض روبرو می‌شوند، بنابراین درمی‌یابند که باید به ارزیابی اطلاعات بپردازند و هر چیزی که می‌بینند باور نکنند، بلکه به قول دیویی نوعی شک سالم و تردید نسبت به امور مختلف داشته باشند (الله کرمی، ۱۳۹۲). برنامه چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک نیز به مسائل موردعلاقه‌ی دانش آموزان پاسخ می‌گوید، در ارائه مطالب بسیار انعطاف‌پذیر است و امکان کنش متقابل با مواد و منابع را فراهم می‌سازند. از همه مهم‌تر، این‌گونه برنامه‌ها بیش از هر زمان دیگر دانش آموزان را قادر می‌سازند تا بر یادگیری خود شاهد و تسلط داشته باشند. به‌زعم ویک (Wyk, 2002) استفاده از چند رسانه‌های آموزشی با رویکردی غیرخطی زمینه رشد و ارتقای تفکر انتقادی را فراهم خواهد نمود. اعمالی از قبیل یافتن عناصر جدید و مرتبط، ترکیب و یکپارچه‌سازی عناصر مختلف در ساختارهای جدید و

به وجود آوردن ساختارهای یکپارچه و معنادار متفاوت از ساختارهای قبلی را می‌توان به کمک قابلیت‌ها و امکانات چندرسانه‌ای‌ها انجام داد.

نتایج حاصل از بررسی فرضیه فرعی سوم نیز نشان داد اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C)، در بهبود تفکر خلاق دانش‌آموزان پایه ششم دبستان موثر است. این یافته‌ها با تحقیقات زنگنه (۱۳۸۶)، به نقل از امان زاده بنه و نعمان اف، (۱۳۹۳)، استایسی و جریک (Stacey & Gerbic, 2009) و ویلر و همکاران (Wheeler et al., 2002) هم سو و هماهنگ است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت بحث و گفتگو میان دانش‌آموزان با هدایت معلم بستر اصلی تفکرات فلسفی است؛ از این رو برنامه به‌گونه‌ای تنظیم نشده است که پاسخ معین و از پیش تعیین‌شده‌ای به بحث‌ها و پرسش‌های دانش‌آموزان بدهد؛ بلکه یافتن پاسخ پرسش‌ها از طریق بحث و گفتگو درباره موضوعات مختلف صورت می‌گرفت. به این ترتیب کلاس‌های مبتنی بر آموزش فلسفه به کودک به یک اجتماع یادگیری تبدیل شده و در آن دانش‌آموزان نظرات و اندیشه‌های خود را بیان کرده و درباره آراء دیگران به بحث و تبادل نظر می‌پردازند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۳). محتوای ارائه‌شده در قالب چندرسانه‌ای نیز باعث می‌شود جذابیت بصری و صوتی در میزان کاوشگری و سطح یادگیری دانش‌آموزان سهم بالایی را دارا باشد، چراکه از این طریق تفکر خلاق آن‌ها تحریک می‌شود. چندرسانه‌ای آموزشی به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فردی مثل بکارگیری حواس چندگانه، جذابیت، قابلیت تکرار، بازخورد، تعامل یادگیرنده با دیگران و با موضوع، یادگیرندگان با انگیزه درونی و به‌طور خودانگیخته به انجام فعالیت‌ها می‌پردازند و چون در آن‌ها عدم ترس از تحقیر و تنبیه شدن وجود دارد آنان نگرش مثبتی نسبت به محیط آموزشی پیدا می‌کنند که همه موارد مافوق به رشد خلاقیت کمک می‌کنند.

با توجه به یافته‌های پژوهش و تجربیاتی که در حین اجرای پژوهش به دست آمد، پیشنهاد می‌شود؛ مسئولان وزارت آموزش و پرورش با جلب و جذب سرمایه‌گذاری لازم برای تولید و توسعه نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای استاندارد باکیفیت مناسب و بر اساس اصول فلسفه برای کودک (P4C)، به توسعه مهارت‌های تفکر در دانش‌آموزان کمک کنند. همچنین توصیه می‌شود روش‌های تدریس مبتنی بر ایجاد حل مسئله، تفکر انتقادی و تفکر خلاق به معلمان آموزش داده شود تا سرانجام دانش‌آموزان متفکرانه به آرای معلمان بنگرند. با توجه به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و هوشمند شدن مدارس، کلاس‌های ضمن خدمت برای معلمان جهت آشنایی بیشتر با نحوه آموزش مهارت‌های تفکر با کمک چندرسانه‌ای‌ها برگزار گردد. این پژوهش دارای محدودیت‌هایی بود؛ از جمله

می‌توان به روش انتخاب آزمودنی‌ها به دلیل نیاز به امکانات ویژه جهت اجرای چندرسانه‌ای اشاره کرد. محدود بودن جامعه آماری به دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر جوانرود و احتیاط در تعمیم نتایج به دیگر شهرستان‌ها و مقاطع تحصیلی و محدود بودن ابزار اندازه‌گیری به پرسشنامه و عدم بهره‌گیری از دیگر ابزارهای گردآوری داده‌ها همچون مصاحبه و مشاهده از جمله محدودیت‌های دیگر این پژوهش است.

کتاب‌نامه

- احمدی، مسعود؛ فلاح، وحید؛ میرزا خانی، سمانه (۱۳۹۰). مقایسه تأثیر آموزش چندرسانه‌ای تعاملی با چندرسانه‌ای غیرتعاملی بر میزان یادگیری دانش آموزان ابتدایی. *فصل‌نامه: فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ۱ (۴).
- آق ارکاکلی، رقیه (۱۳۸۸). تأثیر کاربرد آموزشی فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بر تفکر انتقادی دانش آموزان دختر سال اول متوسطه منطقه ۴ تهران پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی دانشگاه اراک.
- اکبری، احمد؛ جاویدی کلانه جعفرآبادی، طاهره؛ شعبانی ورکی، بنختیار و تقوی، محمد. (۱۳۹۱). فلسفه برای کودکان، مضامین فلسفی در داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی. تفکر و کودک. سال سوم، شماره ۲. ص ۱-۲۵.
- امان زده بنه، آمنه و نعمان اف، منصور (۱۳۹۳). تأثیر آموزش مبتنی بر مبانی فن‌آوری‌های نوین آموزشی بر مهارت‌های زندگی دانشجویان دانشگاه‌های استان مازندران. *فصل‌نامه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی* ۴ (۳).
- الله کرمی، آزاد (۱۳۹۲). مقایسه یادگیری تلفیقی و آموزش حضوری بر خلاقیت و تفکر انتقادی دانش آموزان پایه دوم متوسطه شهرستان قدس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- الله کرمی، آزاد و زارعی زوارکی، اسماعیل (۱۳۹۳). مقایسه اثر آموزش تلفیقی با آموزش سنتی بر تفکر انتقادی و شادکامی دانش آموزان. *فصل‌نامه: فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی* ۴ (۴).
- باقی، یاسمن (۱۳۹۰). تفاوت‌های طراحی در چندرسانه‌ای. *نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی*. (۴۷).
- باوی، علی (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش از طریق نرم‌افزار چندرسانه‌ای بر عملکرد ریاضی دانش آموزان پسر حساب پریش شهرستان تهران. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۸ (۲۵).
- بدری گرگری، رحیم و واحدی، زهرا. (۱۳۹۴). تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد هوش اخلاقی دانش آموزان دختر. تفکر و کودک. سال ششم، شماره اول. ۱۸-۱.
- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)*. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، نگاشت پنجم.
- جهانی، جعفر. (۱۳۸۶). بررسی تأثیرات برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان در رشد منش‌های اخلاقی دانش آموزان. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*. سال دوم، شماره ۷. ص ۲۷-۵۹.

۲۰ اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) و بررسی تأثیر آن بر خردورزی دانش‌آموزان ابتدایی

- حاتمی، حمید رضا؛ کریمی، یوسف و نوری، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در افزایش هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر مقطع اول راهنمایی مدرسه شهدای آزادی تهران. تفکر و کودک. سال اول، شماره ۲. ص ۲۲-۳.
- حاج رضایی، بهار؛ روشنی علی بنه سی، حسن؛ شاه علی زاده، محمد؛ زینالی، مریم؛ بدلی، مهدی (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی یادگیری تلفیقی بر مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری. فصل‌نامه علمی-پژوهشی انجمن علمی پرستاری ایران، ۴ (۱).
- ذوفن، شهناز (۱۳۹۲). کاربرد فناوری‌های جدید در آموزش. تهران: سمت.
- رستمی، کاوه؛ مفیدی، فرخنده و فیاض ایراندخت. (۱۳۹۳). مقایسه تأثیر داستان‌های فکری فیلیپ کم و مرتضی خسرونژاد بر رشد خلاقیت در کودکان دوره آمادگی شهر تهران. مجله علمی پژوهشی مطالعه ادبیات کودک دانشگاه شیراز. سال پنجم، شماره اول. ص ۷۲-۵۰.
- صالحی زاده، مریم و اسدی، سعید. (۱۳۹۲). تأثیر آموزش چندرسانه‌ای. رشد آموزش جغرافیا. شماره ۱۰۳. ضامنی، فرشیده؛ نسیمی، عباس؛ رضایی راد، مجتبی؛ قنبر پور جویباری، منصوره (۱۳۹۰). تأثیر استفاده از نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای در درس جامعه‌شناسی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شهرستان جویبار. فصل‌نامه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، ۲ (۲).
- عابدی، زهره (۱۳۹۱). بهره‌گیری از رسانه‌ها در آموزش. تهران: رشد تکنولوژی آموزشی، ۲۸ (۱).
- فائق، مجتبی (۱۳۹۲). آیین خردورزی فرزندان از دیدگاه قرآن و روایات معصومین. فصل‌نامه فلسفه و کودک. ۱ (۳).
- کتاب راهنمای تفکر و پژوهش (۱۳۹۱). اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
- کریمی، فرهاد (۱۳۹۳). چندرسانه‌ای‌ها عامل تغییر محیط‌های آموزشی. تهران: رشد تکنولوژی آموزشی، ۳۰ (۵).
- مایرز، چت. (۱۳۸۶). آموزش تفکر انتقادی. ترجمه خدایار ایلی. تهران: سمت.
- مرعشی، سید منصور؛ رحیمی نسب، حجت‌الله؛ لسانی، مهدی (۱۳۸۷). امکان‌سنجی اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان در برنامه درسی دوره ابتدایی. فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، ۷ (۲۸).
- ناجی، سعید و قاضی‌زاده، پروانه. (۱۳۸۶). بررسی نتایج برنامه فلسفه برای کودکان روی مهارت‌های استدلال و عملکرد رفتاری. فصلنامه مطالعات برنامه درسی. شماره ۲، ص ۱۵۰-۱۲۳.
- تقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۷۸). درآمدهای به فلسفه. تهران: طهموری.
- هدایتی، مهرانوش و شاطالبی، اکرم. (۱۳۹۲). تأثیر گفتاشنود منطقی در حلقه‌های کندکاو فلسفی در کاهش نشانه‌های اختلالات روان‌تنی دانش‌آموزان دختر ۱۱ تا ۱۲ سال شهر تهران. تفکر و کودک. سال چهارم، شماره دوم، ص ۱۱۶-۱۰۱.

Beatty, K. (2005). Teaching and Researching Computer-assisted Language Learning Beijing: Foreign Language Teaching and Research Press.

- D’Zurilla, T. J., & Sheedy, C. F. (1992). The relations between social problem solving ability and subsequent level of academic competence in college students. *Cognitive Therapy and Research*, 16(5), 589-599.
- Eysenck, M.W. (2000). *Cognitive Psychology: A Student’s Handbook*. New York: Psychology Press Ltd.
- Hogan, M. J. (2006). Cultivating thought-full and Creative thinkers: A comment on quality merging costa with claxton et al. *Thinking Skills and Creativity* 1, 152-154.
- Hopson, M. H. (1998). Effects of a technology enriched learning environment on student development of higher order thinking skills (Doctoral dissertation, University of North Texas).
- Mohamad, R, Muninday, B, & Govindasamy, M. (2010), Test the Effects of Interactive Courseware Template for the Learning of History among Form One Students. *US-China Education Review*, Penang, 7 (10), 13-106.
- Nelson, T. O (2001), Meaning of critical thinking, *Critical thinking and Education*. Cambridge university press.
- Osborne, D (2002), Critical thinking skill – building for facilitators metacognition. *The master Facilitator Journal*, 7.
- Perla, E. and O’ Donnel, B. (2004). Encouraging problem solving in orientation and mobility. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 98, 47-52.
- Sanjana, M. & Whitebread, D. (2005). Philosophy for children and Moral Development in the Indian context, Cambridge University. Volum 21, N3, PP. 1-13.
- Saville, G. (2006). Emotional Intelligence in Policing. *The Police Chief*, LXXIII, Alexandria, VA, 39-49.
- Serin, O, Serin, N. B. & Saygılı, G. (2009). The effect of educational technologies and material supported science and technology teaching on the problem solving skills. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 1 (1), 665-670.
- Stacey, E. & Gerbic, P. (2009). Effective blended learning practices: Evidencebased perspectives in ICT- facilitated education. Hershey, PA: IGI Global.
- Sternberg, R. and Lubart, T. (1999). The concept of creativity: Prospects and paradigms. In R. Sternberg (Ed.), *Handbook of creativity*. Cambridge University Press.
- Turner, N. E. Macdonald, J. & Somerset, M. (2008). Life skills, mathematic reasoning and critical thinking: A curriculum for the prevention of problem gambling. *Journal of Gambling Studies*, 24 (3), 367-380.
- Wheeler, S., Waiter, S. J., & Bromfield, C. (2002). Promoting creative thinking through the use of ICT. *Journal of Computer Assisted Learning*, Wiley online Library, 18, 367-378.
- Wheeler, S., Waite, S. J., & Bromfield, C. (2002). Promoting creative thinking through the use of ICT. *Journal of Computer Assisted Learning*, 18(3), 367-378.
- Wyk. N. V. (2002). Development of critical thinking skills through distance learning in Developing Countries. *HEALTH SA GESONDHEID* Vol.7 No.2.